

ویژگیها، وظایف و اختیارات ولی فقیه

معصومه حیدری^۱

چکیده

ولی فقیه به عنوان رهبری سیاسی و دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای ویژگیها، وظایف و اختیارات خاصی است که به او اجازه می دهد تا در امور مختلف کشور هدایت و رهبری نماید. شناخت این ویژگیها و وظایف به درک بهتر از نظام سیاسی و مبانی فکری آن کمک می کند. در شرایطی که کشور با چالشهای داخلی و خارجی مواجه است، شناخت دقیق ویژگیها و اختیارات ولی فقیه از اهمیت بالایی برخوردار است. این شناخت می تواند به تقویت نظام سیاسی، افزایش اعتماد عمومی و بهبود فرآیند تصمیم گیری در کشور کمک کند. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه ای و باشیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی تعاریف لغوی و اصطلاحی؛ ولایت، فقیه و عدالت پرداخته است. هدف از این تحقیق، بررسی ویژگیها، وظایف و اختیارات ولی فقیه به عنوان یک مقام عالی رتبه در نظام اسلامی است. این بررسی می تواند به روشن شدن نقش و تأثیر ولی فقیه در سیاست گذاریها و مدیریت کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: ولایت، فقیه، عدالت

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه، hmswmh885@gmail.com

مقدمه

ولایت فقیه به عنوان یکی از ارکان اصلی و بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت‌های ویژه‌ای را بر عهده فقیه جامع‌الشرایط قرار می‌دهد. این مقام، به نمایندگی از امام معصوم (علیه‌السلام) در امور حکومتی و اجتماعی جامعه اسلامی عمل کرده و نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور ایفا می‌کند. با توجه به چالش‌های مختلفی که نظام جمهوری اسلامی با آن‌ها مواجه است، درک ویژگی‌ها، وظایف و اختیارات ولی فقیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند به تقویت بنیان‌های نظری و عملی نظام کمک کند. مباحث مربوط به ویژگی‌ها و اختیارات ولی فقیه، از زمان تأسیس جمهوری اسلامی ایران و حتی قبل از آن، در میان عالمان دینی و سیاسی مورد توجه و بحث قرار گرفته است. متفکرانی هم چون امام خمینی پیامبر در تحریر الوسیله و دیگر فقیهان، در آثار خود به تبیین و تحلیل این موضوع پرداخته‌اند.

هم چنین، در دهه‌های اخیر، نقدها و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص نقش و اختیارات ولی فقیه مطرح شده که نیازمند بررسی دقیق و مستند است. با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران و هم چنین چالش‌های بین‌المللی، شناخت دقیق ویژگی‌ها، وظایف و اختیارات ولی فقیه به عنوان یک رکن کلیدی در نظام جمهوری اسلامی ضروری است. این شناخت می‌تواند به تقویت مبانی نظری و عملی نظام کمک کرده و به پاسخ‌گویی به شبهات و انتقادات در داخل و خارج از کشور یاری رساند.

سؤال اصلی این مقاله این است که ولی فقیه چه ویژگی‌ها، وظایف و اختیاراتی دارد و چگونه این موارد به عملکرد او در نظام جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کنند؟

هدف این مقاله، بررسی و تحلیل ویژگی‌ها، وظایف و اختیارات ولی فقیه، شامل مستندات دینی، فقهی و اجتماعی، و ارزیابی نقش آن در تبیین مفهوم رهبری در نظام اسلامی است. این پژوهش به دنبال ارائه پاسخ‌های مستند و منطقی به سوالات مطرح شده در این زمینه است و می‌تواند به درک بهتر جایگاه ولی فقیه در ساختار سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران کمک نماید.

مفاهیم

الف) مفهوم ولایت

-ولایت در لغت به معنی والی، شدن قرابت و نزدیکی، یاری، دادن مالک شدن و تصرف در چیزی، دوستی، تسلط پیدا کردن، قدرت، پادشاهی. (دهخدا، لغتنامه دهخدا، ص ۴۱۵) ولایت، مصدر از ماده ولی می باشد. معنای اصلی این ماده عبارتست از قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر به نحوی که فاصله ای میان آن ها نباشد. (راغب، مفردات فی غریب القرآن، بیروت دار العلم، ص ۸۸۵). به همین مناسبت، این کلمه درباره نزدیکی به کار رفته است؛ خواه نزدیکی مکانی و خواه نزدیکی معنوی. (جوادی آملی، ولایت در قرآن، ص ۱۸ و ۱۹)

-ولایت در اصطلاح شرع مقدس اسلام عبارتست از یک نحوه نزدیکی و قربی که مجوز نوع خاصی از تصرف در امور مرتبط با دیگران می شود. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۱۲)

ولایت به معنی تصرف در امور و پاسداری و نگهداری و سرپرستی و تکمیل و ترمیم نقاطضعفی است که بواسطه ولایت والی در افراد مَعْلَى عَلَیْهِمْ جبران میشود؛ خواه آن فرد زن باشد خواه، مرد صغیر باشد، یا کبیر حاضر باشد یا غائب یا ولایت در اجتماع که بواسطه ولایت والی آن نقاطی که از جهت ربط و ارتباط بین آن، مجتمع مردم نیاز به ترمیم و تتمیم و تکمیل آن دارند بر اثر سرپرستی و ولایت والی به کمال و تمامیت خود میرسند و امارت و حکومت بر این ها از شعب ولایت است. (حسینی طهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلام، ج ۱، ص ۲۹)

نظریه ای در فقه شیعه است که نظام سیاسی مشروع در دوران غیبت امام معصوم (علیه السلام) را بیان می کند. (فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۲۰۴). نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس این نظریه تأسیس شده است.

ولایت محدود فقیه از جمله حق قضاوت صدور فتوا در مسائل، شرعی اخذ وجوهات شرعی و رسیدگی به امور حسبیه از دیرباز در فقه امامیه مطرح و مورد بحث بوده و در ارتباط نزدیک با نهاد مرجعیت است. اما در نظریه ولایت سیاسی فقیه که بیش از همه توسط روح الله خمینی (ره) مطرح و تشریح شده، این ولایت اساس نظم سیاسی دوره غیبت را تشکیل می دهد و فقیهان جانشین امام در اجرای سیاست ها و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (علیه السلام) (به جز جهاد ابتدایی) محسوب می شوند. (همان، ص ۲۴۳).

حکومت و اداره ی کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه ی سنگین و مهم است؛ نه این که برای کسی شأن و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره، بر خلاف تصویری که خیلی از افراد دارند امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است. (روح الله خمینی (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۴۰)

ب - مفهوم فقیه

- فقیه در لغت به معنای دانا، دانشمند دریابنده عالم علم فقه، دانای علم دین (دهخدا، لغتنامه دهخدا، ص ۲۹۴)

- فقیه در اصطلاح به کسانی که احکام شرعی را توسط رأی و اجتهاد خویش به واسطه قرآن کریم، سنت عقل و اجماع بدست می آورند گفته می شود. (همان)

فقیه در فضیلت و شخصیت دینی و اخلاقی و علمی همپای امام معصوم (علیه السلام) نیست. چرا که ولی فقیه، جدا از شخصیت حقوقی خویش، دارای شخصیت حقیقی نیز هست که از این نظر با دیگر مردم برابر است. ویژگی های ولی فقیه و حاکم اسلامی همانند عدالت تقوا و پرهیزگاری او را از لغزیدن به ورطه استبداد و خودرأیی باز می دارد. (خمینی (علیه السلام)، ولایت فقیه حکومت اسلامی، ص ۴۰)

ج) مفهوم عدالت

- عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند. (معین، فرهنگ فارسی معین ج ۲، ص ۲۲۷۹)

- عدالت در اصطلاح عبارت است از وضع و قرار دادن هر شی در جایگاه مناسب آن (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

در توضیح شخص عادل گفته شده است: که شخص عادل کسی است که نسبت به انجام فرایضش آشنا باشد و به آنچه به آن امر شده ملزم و از آنچه که نهی شده دوری جوید و از فواحش خرد کننده اجتناب ورزد و خواهان حق و واجب باشد در افعال و معاملاتش و در لفظش خود را پرهیزد از سخنانی که مروت را لکه دار می کند کسی که این چنین باشد به عادل بودن در دینش منسوب است و به صدق در گفته اش معروف است و در این وصف اجتناب از گناهان کبیره ای که

فاعل آن فاسق نامیده می شود کفایت نمی کند و با این وصف باید از چیزهایی که خود نمی داند گناه کبیره است ولی مردم میگویند خودداری کند. (آخوند خراسانی، الکفایه، ج ۱، ص ۱۰۳)

ویژگی‌های ولی فقیه

برای استقرار جامعه آرمانی و مقدس ترسیم شده از اندیشه اسلامی ناب، باید زمامداری شایسته که ویژگی‌های لازم برای رهبری جامعه اسلامی را دارد در رأس حکومت اسلامی قرار گیرد تا بتواند اهداف تعیین شده را تحقق بخشد. چنان که می‌دانیم دو اصل پنجم و صد و نهم قانون اساسی درباره شرایط و ویژگی‌های رهبری است در این دو اصل بر ۸ شرط و ویژگی مهم تصریح و تاکید شده که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد :

الف) فقاہت و اجتهاد

رهبر اسلامی باید در زمینه احکام و معارف دینی به ویژه در فروع فقهی صاحب نظر و مجتهد باشد و دستیابی او به مسائل اسلامی بر اساس اشتغال و استنباط باشد و از کسی تقلید نکند، زیرا او سرپرست مسلمانان و اجرا کننده احکام و قوانین اسلامی است و دیگران فرمانبردار و پیرو او هستند حال اگر رهبر خود مقلد دیگری باشد اقتدار حکومت اسلامی و نفوذ رهبری آن شکسته خواهد شد. (ابراهیم زاده آملی، حاکمیت دینی، چاپ اول، ص ۱۳۱) بر این اساس است که امیرالمومنین (علیه السلام) می‌فرماید :

"إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ، أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ؛ أَي مَرْدَم سَزَاوَرْتَرِین مَرْدَم بَه خِلَافَت، کَسِی اَسْت کَه بَر اَن تَوَانَاتَر اَز هَمْگَان بَاشَد وَ دَانَاتَر اَز هَمِه بَه اَوَامِر خِدَای تَعَالِی اَسْت". (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

آن چنان که از روایت حاصل می شود سزاوارترین اشخاص به خلافت و سرپرستی حکومت اسلامی فردی است که فقیه باشد و در مقام اجتهاد باشد. و نیز امام صادق (علیه السلام) در مقبوله عمر بن حنظله می فرماید: "... فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشُّرْكِ بِاللَّهِ ... "مردم باید دقت کنند باید به کسانی از شما که حدیث و سخنان ما را روایت می‌کنند و حلال و حرام ما را به دقت می‌نگرند و احکام ما را به خوبی باز می‌شناسند و عالم و عادل هستند، مراجعه کنند و او را به عنوان

به سبب رحلت تو (ای پیامبر) چیزی منقطع گشت که به مرگ غیر تو منقطع نگشت و آن، همان نبوت و خبر دهی و اخبار آسمان است. (جوادی آملی، ولایت در قرآن، ص ۲۴۳)

لذا وظیفه فقیه جامع الشرایط در زمینه افتاء، کشف و به دست آوردن احکام اسلامی است؛ بدون آنکه هیچ گونه دخل و تصرفی در آن نماید.

— وظیفه قضاء

حاکم اسلامی، عهده دار شأن قضاء رسول اکرم (ﷺ) و امامان معصوم (علیهم السلام)، نیز هست؛ به این معنا که نخست با تلاش و کوشش متمادی و اجتهاد علمی، مبانی و احکام قضاء اسلامی را از منابع اصیل آن به دست می آورد و سپس بر اساس همان علوم و احکام و بدون آنکه تصرفی از خود در آنها داشته باشد، به رفع تخاصمات و اجرای احکام قضایی و صادر نمودن فرامین لازم می پردازد. (جوادی آملی، ولایت در قرآن، ص ۲۴۴)

در قرآن کریم در رابطه با مورد بحث می فرماید:

"يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ"؛ ای داوود! ما تو را خلیفه روی

زمین قرار دادیم، پس میان مردم به حق حکم کن. (ص، آیه ۱۸)

در تفسیر آیه چنین آمده است که: محتوای این آیه که از مقام والای داود و وظیفه مهم او سخن می گوید نشان می دهد که افسانه های دروغینی که در باره ازدواج او با همسر اوریا به هم بافته اند تا چه اندازه بی پایه است. چگونه ممکن است خداوند به کسی که نسبت به نوامیس مؤمنان و یاران خود چشم خیانت دوخته و دستش به خون بی گناهان آلوده است خلافت روی زمین دهد، و مقام قضاوت را به طور مطلق به او بسپارد؟ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۶۲).

بنابراین از این آیه به خوبی استفاده می شود که قضاوت، از شؤون خلیفه الله است؛ یعنی فقط کسی که دارای مقام رهبری و حکومت الهی است، می تواند قضاوت کند؛ زیرا حق قضاوت را خدای متعال در این آیه از شؤون خلافت الهی معرفی نموده است. بنابراین، قضاوت برای همه کس آزاد نیست. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۶۲)

– وظیفه ولاء

حاکم اسلامی پس از اجتهاد عمیق در متون و منابع دین و به دست آوردن احکام اسلام در همه ابعاد زندگی مسلمین، موظف به اجرای دقیق آنهاست.

طبق آیات و مستدلّات آمده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ وَلِيّ شما تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع نماز زکات می‌پردازند، می‌باشند.» (مائده، آیه ۵)

در شأن نزول آیه آمده است: سائلی وارد مسجد رسول خدا (ﷺ) شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی (علیه السلام)، در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشت خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد. ماجرای فوق را ده نفر از اصحاب پیامبر مانند ابن عباس، عمار یاسر، جابر بن عبد الله، ابو ذر، انس بن مالک، بلال و ... نقل کرده‌اند و شیعه و سنی در این شأن نزول، توافق دارند. (قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۱۰)

امام صادق (علیه السلام)، فرمودند: منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا...»، علی (علیه السلام)، و اولاد او، ائمه (علیهم السلام)، تا روز قیامت هستند. پس هر کس از اولاد او به جایگاه امامت رسید با این ویژگی مثل اوست، آنان صدقه می‌دهند در حال رکوع. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۸۸)

در نهایت این نتیجه حاصل شد که طبق وظیفه‌ی ولایی فقیه جامع الشرایط، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، چه در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی مانند منابع طبیعی، جنگل‌ها، معادن، دریاها،...، چه در امور سیاسی داخلی و خارجی مانند روابط بین الملل، در زمینه‌های نظامی همانند دفاع در برابر مهاجمان و تجهیز نیروهای رزمی، و در سایر مور لازم، به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام ثابت الهی مبادرت می‌ورزد.

نتیجه گیری

بنابراین؛ از آنچه گذشت روشن شد که چرا فقط فقیه مجتهد، عادل، با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر، مدبر و مقبول مردم، صلاحیت ولایت و سرپرستی مسلمانان را داراست، و این مطلب به هیچ وجه به معنای انحصار طلبی نیست، چنان که برخی می‌پندارند، بلکه قوانین اسلامی چنین اقتضا دارد. زیرا حکومت اسلامی حکومت قانون الهی است از نظر عقل ضروری است در کنار آن: قانون دان عادل باشد تا قوانین الهی را آنچنان که هست به اجرا بگذارد، و آن را از انحراف باز دارد. این که احکام اسلامی برخی فردی است و برخی اجتماعی، برخی مربوط به مردم است و برخی مخصوص مجتهد و حاکم؛ که در همه این موارد، ولی فقیه باید پس از شناخت دقیق حدود این احکام وظیفه هر فرد یا گروهی را در جامعه اسلامی مشخص سازد و با هماهنگی ساختن آنان اداره درست جامعه را صورت دهد و با اجرای احکام اسلام و رفع تزامم احکام و تقدیم احکام (اهم) بر (احکام مهم)، هدایت هر چه بیشتر مسلمین و جامعه اسلامی را متحقق سازد.

فهرست منابع

* قرآن کریم، حسین انصاری

* نهج البلاغه، محمد دشتی

۱. ابراهیم زاده آملی، عبد الله، حاکمیت دینی، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷ ش.

۲. اکبری، محمدرضا، ولایت فقیه ویژه جوانان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.

۳- جوادی آملی، عبدالله، ولایت در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.

۴- حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، چاپ دهم، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۳۸۰ ش.

۵- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۴ ق.

۶. خمینی، روح الله، رساله نوین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

۷. خمینی، روح الله، صحیفه نور، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ ش.

۸. خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.

۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، صفحه نگار قم، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۱. رحیمیان، محمد حسن، پاسدار اسلام، ویژگی های ولایت فقیه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، مرداد ۱۳۷۸ ش.

۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.

۱۳. مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشرپایدار، ۱۳۸۷ ه.ش

۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، محمد مهدی نادری قمی، چاپ دوازدهم قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۶ ه.ش

۱۵. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ه.ش

منابع عربی

۱. ابن شعبه حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۳ ش.

۲. ابن نعمان، محمد بن محمد، المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ هـ

۳. آمدی، عبد الواحد غرر الحکم، قم: دار الکتاب الاسلامی.

۳. حر عاملی، محمد ابن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت، دارالاحیاء و التراث، ۱۴۱۴

ق.ه

۴. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، حسن بن یوسف، حلّی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۰، ۱۳۰۷ ق.

۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، نشر جامعه مدرّسین، ۱۴۱۷ ه.ق

۶. طیب، عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ه.ش.

۷- کلینی، محمد بن یعقوب اصول کافی، محمد باقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۷۵.

۸. مجلسی، محمد باقر ابن محمد تقی، بحارالانوار، بیروت: دار التراث، ۱۴۰۳ ق.